



عدم تناسب انگیزه های تحصیلی - شغلی دانشجویان با نظام تقسیم کار

احمد فرزانه (دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد)

Email: Farzaneh.ahmad@gmail.com

دکتر علی یوسفی، دکتر محسن نوغانی

(دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد)

Email: { yousofi }, { noghani }@um.ac.i

چکیده:

یکی از مسائل اجتماعی ایران، آموزش اضافی است. آموزش اضافی یعنی عرضه و تقاضای آموزش به میزانی فراتر از نیازهای جامعه. وجود آموزش اضافی، یعنی وجود محصلان اضافی و این یعنی افزایش بی رویه تعداد دانش آموزان و دانشجویان. آموزش اضافی، سبب برهم خوردن تناسب میان تعداد دانش آموختگان و مهارت‌یافتگان با نظام تقسیم کار و موقعیت‌های شغلی موجود، می‌شود. یکی از عوامل شکل‌دهی به آموزش اضافی در حال حاضر، وجود تقاضا از دولت برای افزایش ظرفیت‌های دانشگاه هاست - بدون اینکه نیازی به آن نوع و آن میزان از آموزش‌ها وجود داشته باشد. دلیل این تقاضای گسترده، عدم آگاهی متقاضیان از تبعات آموزش اضافی و فقدان یک موضع شغلی متناسب با نظام تقسیم کار است. برای پاسخ گویی، اقناع و تغییر موضع سازنده در متقاضیان، در جهت کاهش تقاضا و در نتیجه کاهش عرضه آموزش، اطلاع دقیق از انگیزه‌ها و مواضع فعلی محصلین نسبت به تحصیلات در مقطع کنونی و مقاطع بالاترشان، بسیار مهم است. در نتیجه این پژوهش درصدد پاسخ به این سوال است: انگیزه‌های محصلین دانشگاهی ایرانی برای ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر چیست؟ برای محدود کردن دامنه پاسخگوینان، موردها از داوطلبان کنکور کارشناسی ارشد در دانشگاه فردوسی مشهد انتخاب شد. روش گردآوری و تحلیل داده‌ها روش رویش نظریه (گراند تئوری) است و بر اساس تکنیک نمونه گیری نظری با دوازده نفر از این داوطلبان مصاحبه شد. داده‌ها در سه مرحله کدگذاری (باز، محوری و گزینشی)، مقوله‌بندی شدند. انگیزه‌های متقاضیان، در مجموع چهل و نه انگیزه از جمله این موارد بود: علاقه به رشته و اشخاص، هدر ندادن زحمات گذشته، کسب شغل، کسب منزلت اجتماعی، ایجاد احترام متقابل، کسب نفوذ اجتماعی، تشکیل خانواده خوب، اخذ مدرک، کسب علم، تربیت بهتر فرزندان، نمایش سواد و دانایی، تحرک اجتماعی، هم‌رنگی اجتماعی، خوشحال کردن والدین، انتظارات دیگران، فرار از تعهدات و مسئولیت زندگی خانوادگی و فرار از سربازی. کدگذاری باز بعد از کدگذاری محوری، به شش مقوله تقلیل یافت و این انگیزه‌ها، در شش مقوله عمده شامل "علاقمندی"، "تعهد اجتماعی"، "هدر ندادن زحمات گذشته"، "کسب سرمایه"، "تحت تاثیر دیگران" و "انگیزه‌های جایگزین" قرار گرفت و نهایتاً در کدگذاری گزینشی، "کسب توانایی و تامین خواسته" به عنوان انگیزه مرکزی ادامه‌ی تحصیل دانشگاهی تشخیص داده شد. نگاهی به انگیزه‌های بیان شده، فارغ از میزان و توزیع آن، نشان می‌دهد که انواع بسیار زیادی از انگیزه‌های عرضی و بیرونی غیرشغلی وجود دارد و انگیزه‌های ذاتی (درونی)، یا انگیزه‌های شغلی کمتر در میان این انگیزه‌ها یافت می‌شود. انگیزه‌های غیرشغلی هم که نمی‌توانند منجر به احراز صلاحیت، دانش و مهارت لازم برای اشغال نظام تقسیم کار موجود یا توسعه نظام تقسیم کار به نحو سالم، غیرآنومیک و متناسب با نیازهای جامعه شوند.

کلمات کلیدی

انگیزه‌ی تحصیلی، انگیزه‌ی شغلی، آموزش اضافی، تقسیم کار، رویش نظریه



۱. مقدمه و بیان مساله

احراز شغل مستلزم حرفه‌آموزی است. در دنیای جدید برای این منظور، نظام‌های آموزش رسمی^۱، شکل گرفتند و به آموزش دانش^۲ و مهارت‌های^۳ مورد نیاز نظام‌های دیگر به ویژه، نظام تقسیم کار و مشاغل پرداختند. چند سده بعد از شکل‌گیری نظام‌های آموزش رسمی، در بسیاری از کشورهای توسعه‌نیافته از جمله ایران نیز چنین نظام‌هایی ایجاد شد تا به تامین نیرو برای ارتش، نظام اداری و صنعت، بینجامد. اما با گذشت چند دهه، نظام اداری نسبتاً اشباع شد و سالانه به آموزش تعداد کمی نیروی کار نیاز وجود داشت. با وجود این، آموزش اشخاص ادامه یافت و به دلیل منزلتی که تحصیلات با خود به همراه می‌آورد و ایجاد این تصور که تحصیلات سبب ارتقاء پایگاه اجتماعی-اقتصادی می‌شود، تقاضای گسترده‌ی اجتماعی را ایجاد کرد. با گذشت زمان، سطوح بالاتر تحصیلی تاسیس و هر ساله بر تعداد محصلین آن‌ها افزوده شد. به طوری که در فاصله‌ی بین سال‌های ۱۳۱۴ (تاسیس اولین دانشگاه بزرگ ایرانی) تا سال ۱۳۵۷ به ۱۸۹ هزار نفر رسید و در سال ۱۳۹۲ به بیش از ۴ میلیون و ۳۶۰ هزار نفر دانشجوی جاری رسید. [۱۸] مسئله‌ی بنیادی در افزایش تعداد محصلین، عدم تناسب تعداد فارغ‌التحصیلان با نظام تقسیم کار اقتصادی موجود در جامعه است. این عدم تناسب اگر یک عدم تعادل بین خرده نظام فرهنگی با خرده نظام اقتصادی [۱۲] در نظر گرفته شود، وقتی به عنوان مشکلی بزرگتر دیده می‌شود که به مسائل و مشکلات ناشی از آن هم توجه کنیم. عدم توجه مردم ایران به واقعیت بازار کار و نیندیشیدن به آینده‌ی شغلی و نبود مشاوره‌های تحصیلی متناسب، موضوعی^۴ را در آن‌ها ایجاد کرده است که منطبق بر واقع نیست و سبب تصمیم‌گیری‌های نادرست و اقداماتی بی‌تناسب با این واقعیت‌ها شده‌است. عدم توجه به ظرفیت‌های موجود در بازار کار، انتخاب رشته‌ی تحصیلی بدون در نظر گرفتن علایق، نیازهای فردی و جامعه، تغییر رشته‌ی تحصیلی یا انصراف از تحصیل، ابهام در وضعیت معیشتی آینده، تحصیل کردن با اکراه و از روی الزامات بیرونی، شیوع سرقت گسترده علمی و تقلب درسی، مدرک‌گرایی، کمیت‌زدگی، افزایش غیرواقعی گرایانه توقعات فارغ‌التحصیلان، وجود خیل عظیم بیکاران بی‌حرفه و باحرفه، ایجاد نارضایتی‌های سیاسی، عدم تناسب محتوای آموزش-های مدرسهای و دانشگاهی با دانش‌ها و مهارت‌های مورد نیاز در مشاغل^۵، هزینه‌های مستقیم و غیر مستقیم اقتصادی و غیر اقتصادی تحصیلات، فقدان متخصصین برای شغل‌های بی‌مشتري، بی‌رغبتی برای احراز برخی از مشاغل، بی-اطلاعی از وجود یا امکان ایجاد برخی از مشاغل، ایجاد تصور دانایی برای محصلین بی سواد دارای مدرک، کاهش کیفیت خدمات ارائه شده به محصلین و سطحی شدن بسیاری از آموزش‌ها، بی‌مشتري ماندن رشته‌های تحصیلی و ظرفیت‌های ایجادشده‌ی دانشگاه‌ها، مهاجرت نخبگان^۶، طولانی شدن دوران کودکی، تاخیر در سن ازدواج، افزایش ناسازگاری‌های فرزندان با والدین، ایجاد ناکامی و احساس ناکامی در تحصیل‌کردگان و فارغ‌التحصیلان، تهی شدن و بی‌محتواشدن و در نتیجه، بی‌ارزش شدن علم، عالم و به تبع آن بی‌ارزش شدن مدارک رسمی تحصیلی و...^۷

یک مشکل بزرگ در موضوع آموزش اضافی-که عاملی بسیار مهم در شکل‌دهی به آن است- وجود تقاضا از دولت برای افزایش ظرفیت‌های دانشگاه‌هاست، بدون اینکه نیازی به آن نوع و آن میزان از آموزش‌ها وجود داشته باشد. آنچه سبب این تقاضای گسترده می‌شود عدم آگاهی تقاضاکنندگان از تبعات آموزش اضافی در مقیاس خرد و کلان و فقدان یک موضع شغلی متناسب با نظام تقسیم کار در متقاضیان است. برای تغییر موضع متقاضیان، در جهت کاهش تقاضا، اطلاع دقیق انگیزه‌های فعلی محصلین نسبت به تحصیلات در مقطع کنونی و مقاطع بالاتر، ضروری است. در نتیجه این

1. Formal education systems
2. Knowledge
3. Skills
4. Attitudes

۵. که با عدم تناسب ظرفیت رشته‌های تحصیلی در مدارس و دانشگاه‌ها با ظرفیت مشاغل مختلف در نظام تقسیم کار شغلی متفاوت است.

6. Brain drain فرار مغزها

۷. ما مسائل ناشی از عدم تناسب انگیزه‌های تحصیلی با نظام تقسیم کار را در نوشتاری مستقل تحلیل کرده‌ایم (فرزانه و یوسفی، تاملی بر مساله آموزش اضافی در ایران، ۱۳۹۲)



پژوهش باید به این سوال پاسخ دهد که: دلایل و انگیزه‌های محصلین برای ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر چیست؟ که اشخاص با آن دلایل، تحصیل کردن خود را توجیه می‌کنند و به تقاضا برای آموزش‌های اضافی دامن می‌زنند.

۲. متن اصلی مقاله

در این قسمت ابتدا به مرور پژوهش‌های مرتبط پرداخته شده است و سپس روش مورد استفاده ذکر شده و نهایتاً یافته‌های پژوهش، گزارش شده است.

۲.۱. مرور پژوهش‌های مرتبط

در بررسی پژوهش‌های مرتبط با انگیزه‌های تحصیلی، تحقیقات متعددی یافت شد، اما بعد از بررسی دقیق، مشخص شد که عمده‌ی این تحقیقات، دارای تفاوت‌هایی با این پژوهش بودند که استفاده از آن‌ها را کمتر مفید می‌کرد. تفاوت این تحقیقات با پژوهش حاضر در این بود که به جای شناسایی انگیزه‌های محصلان برای تحصیل، به موضوعات دیگری شامل «عوامل مؤثر بر انگیزه‌های تحصیلی محصلان» [۳]؛ [۲۱]؛ [۱۵]؛ [۱]؛ [۱۰]؛ [۵]؛ [۶]؛ [۱۳]؛ [۸]؛ [۱۶]؛ [۳۹]؛ «میزان انگیزه‌ی محصلان» [۱۷]؛ [۹]؛ [۳۴]؛ [۲۶]؛ [۲۷]؛ [۲۸]؛ [۲۹]؛ [۲۵]، «آزمون مقیاس‌های انگیزش تحصیلی» [۱۴]؛ [۳۲]؛ [۳۱]، بررسی «روایی و پایایی مقیاس‌های انگیزش تحصیلی» [۳۳]؛ [۳۰] و «آزمون یک نظریه یا مدل انگیزشی» [۳۵] می‌پرداختند. با توجه به این تفاوت‌ها و عدم جواز در یکی گرفتن این عناوین، به پژوهش‌هایی که به سنخ‌شناسی انگیزه‌های تحصیلی پرداخته‌اند توجه شد. مثلاً در تحقیقی در کشور چین [۳۶] یک سنخ‌شناسی از انگیزه‌های دانشجویان چینی در یادگیری زبان صورت گرفته است. همچنین پژوهشی را هم مورد توجه قرار دادیم که با روش مورد استفاده در تحقیق حاضر به بررسی انگیزه‌های تحصیلی پرداخته است [۳۷]. به عنوان جمع‌بندی باید گفت که استفاده از این پیشینه‌ها، بیشتر در مرحله‌ی کدگذاری، چه کدگذاری محوری و چه کدگذاری گزینشی است.

۲.۲. روش تحقیق

در این تحقیق از روش «رویش نظریه»^۸ [۲۲]؛ [۲۳]؛ استفاده و برای گردآوری داده‌ها با ۱۳ نفر از دانشجویان دانشگاه فردوسی که از داوطلبان کنکور کارشناسی ارشد یا دانشجویی این مقطع بودند مصاحبه شد.^۹

۲.۳. یافته‌های تحقیق

در جریان مصاحبه‌ها سوالات مختلفی پرسیده شد اما در تنظیم نوشتار حاضر، تنها پاسخ‌های بازتاب‌دهنده‌ی انگیزه‌های محصلان به شکل سه مرحله کدگذاری آورده شده است.

۲.۳.۱. کدگذاری باز و محوری انگیزه‌های دانشجویان برای ورود به مقطع کارشناسی ارشد. پس از پیاده‌شدن مصاحبه‌ها

و مرور آن‌ها و تشکیل فایل‌های نمایه و تحلیل آن‌ها، ۴۹ مفهوم استخراج شد (کدگذاری باز) که به دلیل حجم زیاد جملات مرتبط با هر مفهوم، در تنظیم مقاله، جملات پاسخگویان نیامده و تنها مفاهیم تولیدشده از اظهارات آنان در ستون مولفه‌ها آورده شده است. پس از انجام کدگذاری باز، در کدگذاری محوری، مفاهیم همجنس از نظر معنایی در قالب مقولات عمده طبقه‌بندی شدند (جدول شماره ۱) این مقولات از سطح بالاتری از انتزاع برخوردارند و دومین مرحله در جهت «رویش نظریه» هستند. در ادامه توضیح مختصری درباره هر یک از این مقولات عمده آورده شده است.

8. Grounded theory

۹. به عنوان قاعده کلی، رایلی (۱۹۹۶) بیان می‌کند که اکثر تحقیقات مبتنی بر گراند تئوری، با انجام دادن ۸ الی ۲۴ مصاحبه به حد اشباع می‌رسند. [۴۰]



جدول شماره ۱: مقوله‌های عمده‌ی انگیزه‌های دانشجویان برای ورود به مقطع کارشناسی ارشد

مقوله عمده	مفاهیم مستخرج از مصاحبه‌ها (کدگذاری باز)	
هدر ندادن زحمات گذشته	هدر ندادن زحمات گذشته	
کسب سرمایه	کسب درآمد و تامین معاش، کسب شغل، آینده بهتر: رفاه	
	کسب منزلت اجتماعی، ایجاد احترام متقابل، کسب نفوذ اجتماعی، سرمایه اجتماعی، تشکیل خانواده، خوب، آینده‌ی بهتر: همسر و مادر خوب	
	اخذ مدرک، کسب علم، افزایش سرعت درک، ایجاد تغییر در نگرش، تربیت بهتر فرزندان، استفاده از اساتید، میل به پیشرفت علمی، حرفه ای شدن در حرفه (استفاده از فضا و امکانات)، نمایش سواد و دانایی، حصول کمال	
	کسب سرمایه‌ی سیاسی	استقلال مالی
	کسب سرمایه‌های ترکیبی	تحرك اجتماعی، استفاده از مزایای مدرک: خلق فرصت
تحت تاثیر دیگران	همرنگی (فضای اجتماعی)، اقتضای جامعه، مقتضیات زمان	
	خوشحال شدن والدین، خوشحال شدن پدر، خوشحال شدن مادر، کسب رضایت پدر	
	تشویق خانواده، توصیه‌ی دیگران مهم، انتظارات دیگران	
انگیزه‌های جایگزین	انگیزه‌های تأخیر افکنی (انگیزه‌های موقت)	
فرار از تعهدات و مسئولیت زندگی خانوادگی، فرار از کار کردن، فرار از خانه نشینی، فرار از سربازی		
تحصیل به عنوان وسیله‌ی پذیرفته شده‌ی مهاجرت	مهاجرت جهت پیشرفت در عرصه‌ی دیگر	
علاقه به استاد شدن، علاقه به تحصیل، علاقه به رشته‌ی تحصیلی، علاقه به رشته و اشخاص، علاقه به محیط دانشگاه (علاقه به فضای باز دانشگاه، وجود فضای گفتگو، به روز بودن، فضای به روز و شاداب دانشگاه)	علاقمندی	
احساس مسئولیت نسبت به امکانات، خدمت به دیگران، نیاز جامعه به تخصص ما	تعهد اجتماعی	

۲.۳.۱.۱. مقوله‌ی عمده‌ی هدر ندادن زحمات گذشته. یکی از دلایل استمرار برخی از کنش‌ها در حالی که به زیان شخص است، مشکلی است ساختاری که می‌توان آن را «تله‌ی پشت‌هم‌اندازی» نامید و نمونه‌های مختلفی از آن توسط بودون [۴] گزارش شده است. قضیه از این قرار است که شخص نسبت به زیان‌آور بودن استمرار عملش (ادامه تحصیل) واقف است اما همچنان آن را ادامه می‌دهد به این دلیل که برای رسیدن به وضعیتی که در آن قرار دارد، هزینه‌ی زیادی پرداخته است: مثلاً به امید رسیدن به موفقیت تحصیلی، پول، زمان و زحمت بسیاری را صرف کرده و به همین خاطر مایلست به نتیجه برسد. این تله‌ی ساختاری به این نحو عمل می‌کند که شخص در وضعیت توصیف شده نه می‌تواند از نتیجه (مثلاً مدرک) صرف‌نظر کند و نه می‌تواند هزینه‌های استمرار کنش خود را کاهش دهد و به کرات این انصراف از کنش را به تعویق می‌اندازد. در نتیجه به تله‌ای برای شخص تبدیل می‌شود زیرا مستمراً بدون رسیدن به نتیجه و تحت تاثیر هزینه‌های صورت گرفته از یک سو و امید به حصول نتیجه از سوی دیگر، به کنش ادامه می‌دهد.

۲.۳.۱.۲. مقوله‌ی عمده‌ی کسب سرمایه شامل سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی.

سرمایه‌ی اقتصادی. سرمایه‌ی اقتصادی عنوانی انتزاعی‌تر برای مقوله‌های «کسب شغل»، «کسب درآمد و تامین معاش» و «آینده بهتر: رفاه» است که از گفته‌های مصاحبه‌شوندگان (داده‌ها) استخراج شده است. اشتغال، معمول‌ترین راه کسب درآمد است. برخی از اشخاص دست کم یکی از دلایل تحصیل را کسب شغل دانسته‌اند زیرا تحصیل را وسیله‌ی احراز شغل به واسطه‌ی کسب مهارت و دانش یا حداقل به واسطه‌ی کسب مدرک تلقی کرده‌اند. برخی نیز کسب شغل دارای ویژگی‌های خاص (از نظر درآمد، احترام و...) را منوط به تحصیل دانسته‌اند و عده‌ای نیز صرفاً احتمال بیشتر شدن به دست آوردن شغل را به عنوان انگیزه‌ی خود ابراز داشته‌اند. مولفه‌ی دیگر در مقوله‌ی کسب سرمایه، رقم زدن آینده‌ای



بهتر به معنای دستیابی به رفاه است. برخی از مصاحبه‌شوندگان به رفاه حاصل از درآمد که به تصور ایشان به مدرک تحصیلی‌شان وابسته است اشاره کردند.

سرمایه اجتماعی. از نظر بورديو «مقامات و روابط گروهی یا شبکه‌های اجتماعی (دوستی و نظیر آن) که فرد در درون آن قرار گرفته است و می‌تواند به نفع خود از آن استفاده کند»^[۲۰] سرمایه‌ی اجتماعی است. برخی از دانشجویان دستیابی به انواع سرمایه‌های اجتماعی مثل منزلت اجتماعی را دست‌کم به عنوان یکی از انگیزه‌هایشان اعلام کرده‌اند. از آنجایی که کسب منزلت برای اشخاص از اهمیت بالایی برخوردار است، آنها برای تدارک وسایل و راه‌های تحقق منزلت نیز تلاش بسیاری انجام می‌دهند. در جامعه‌ی ما منزلت آوری تحصیلات، سالهاست که یکی از انگیزه‌های خودآگاه و ناخودآگاه مهم بسیاری از افراد بوده است. برخی از اشخاص هم به وجوه دیگری از سرمایه‌ی اجتماعی اشاره کرده و از روابط اجتماعی با کیفیت با اعضای خانواده‌شان صحبت به میان آورده‌اند. یکی از اشکال سرمایه‌ی اجتماعی، نفوذ اجتماعی^{۱۰} است و آن عبارتست از توانایی تاثیرگذاری بر دیگران. برخی از مصاحبه‌شوندگان، کسب نفوذ اجتماعی و تاثیرگذاری کلامشان را انگیزه‌ی تحصیل و کسب مدرک عنوان کردند.

سرمایه فرهنگی. دستیابی به سرمایه‌ی فرهنگی درونی‌شده^[۳۸]، انگیزه‌ی برخی از محصلان دانشگاهی اعلام شده و مفاهیم آن در قالب مقوله‌های «حصول کمال»، «کسب علم»، «افزایش سرعت درک»، «ایجاد تغییر در نگرش»، «ترتیب بهتر فرزندان»، «استفاده از اساتید» و «میل به پیشرفت علمی» صورتبندی شده است. در باب شیوع این جنس انگیزه‌ها در بین دانشجویان، تردید جدی و البته شواهد فراوانی علیه ادعای شیوع آن وجود دارد. در انتهای این نوشتار تحلیلی از چرایی طرح این ادعا از سوی برخی دانشجویان ارائه خواهیم کرد. اما عده‌ی زیادی از دانشجویان انگیزه‌ی خود از ادامه‌ی تحصیل را به دست آوردن مدرک تحصیلی یعنی سرمایه‌ی فرهنگی نهادی‌شده^[۳۸] می‌دانند. این سرمایه در حال حاضر در ایران، ارزش ذهنی بالایی را داراست و اشخاص برای به دست آوردن آن حاضر به صرف هزینه‌های اقتصادی و غیر اقتصادی بسیاری هستند. البته ارزش عینی مدارک تحصیلی هم نه از آن جهت که نشانگر مناسبی برای میزان سرمایه‌ی فرهنگی کسب شده باشد بلکه از جهت تبدیل‌پذیری‌اش به انواع دیگر سرمایه بالاست. زیرا برای کسب شغل و افزایش درآمد و به دست آوردن احترام کارایی بسیاری پیدا کرده است. برخی از مصاحبه‌کنندگان، گفتند که از آنجایی که نداشتن مدرک تحصیلی و تحصیلات دانشگاهی سبب می‌شود دیگران تصور کنند که شخص، بی‌سواد است و گفته‌هایش را بی‌اعتبار تلقی کنند، علاقمندند که به تحصیلات عالی در دانشگاه بپردازد یعنی در پی نمایش سواد و دانایی خود هستند.

سرمایه سیاسی (استقلال مالی). انگیزه‌ی تحصیل برخی از زنان، تمایل به کسب استقلال مالی است و اگر به چنین اشخاصی پول زیادی نیز داده شود حتی اگر بپذیرند که کار مستقل انجام ندهد، حداقل علاقمندند که مستقل باشند. استقلال مفهومی در مجاورت آزادی و در نتیجه سیاسی است.

ترکیب سرمایه‌ها. برخی از انگیزه‌های ابراز شده، دستیابی به چند سرمایه را با یک وسیله، هدف قرار داده‌اند. انگیزه‌هایی همچون «تحرک اجتماعی» و «استفاده از مزایای مدرک: خلق فرصت» انگیزه‌هایی‌اند که به طور همزمان چند هدف را دنبال می‌کنند و می‌خواهد با تحصیل، چند هدف مثل افزایش انواع منابع و سرمایه را تحقق بخشند.

۲.۳.۱.۳. مقوله‌ی عمده‌ی تحت تأثیر دیگران. انسان‌ها در جریان تعاملاتشان، بر یکدیگر تاثیر می‌گذارند. ارنسون سه نوع پاسخ به نفوذ و تاثیر اجتماعی^{۱۳} را مطرح کرده است: متابعت^{۱۴}، همانند سازی^{۱۵} و درونی کردن^{۱۶}. [۲] تبعیت از جو

10 . Social influence
11 . Embeddable
12 . Organized
13 . Social influence



کلی اجتماعی و هم‌رنگ شدن با دیگران، در تصمیم افراد به تحصیل بسیار موثر است، البته عمدتاً به شکل ناخودآگاهانه. دو دلیل هم‌رنگی عبارت است از: «رفتار دیگران ممکن است ما را متقاعد سازد که قضاوت اولیه مان اشتباه بوده است. دلیل دیگر این است که ممکن است مایل باشیم از تنبیه گروه احتراز بجوییم یا از آن پاداشی کسب کنیم. (همان). اگر روزی درس خواندن منزلت اجتماعی و سایر مزایای اجتماعی تبعی‌اش را از دست بدهد و در نتیجه اشخاص بسیاری از آن رویگردان شوند با تغییر جوّ عمومی، بسیاری دیگر از اشخاص، دست از تحصیل بر می‌دارند و بسیاری از دلایل امروزی برای تحصیل، در آن فضا تنها توجیهاتی غیر موجه تلقی می‌شوند. برخی از اشخاص در پاسخ به نفوذ «دیگران مهم»^{۱۴} و جلب رضایت آنها اقدام به تحصیل کرده‌اند. (مقوله‌ی عمده‌ی جلب رضایت والدین). همچنین از جمله عوامل موثر در اقدام محصلان به تحصیل، «ترغیب و انتظار دیگران» است. مثل «تشویق خانواده». تشویق^{۱۵}، یکی از محرک‌های مهم است که انجام شدن یک عمل را تسهیل می‌کند. «تقویت [تشویق] در ساده‌ترین الگویش، به دنبال هر عملی پیش می‌آید. این الگو... پیوسته رفتار را تقویت می‌کند.»^{۱۶} «توصیه‌ی دیگران مهم» و «انتظارات دیگران» نیز تاحد زیادی شکل‌دهنده به عمل اشخاص هستند زیرا در صورتی که مطابق توقعات آنان عمل نکنیم با فشار اجتماعی مواجه خواهیم شد.^{۱۷} برخی از مصاحبه‌شوندگان گفته‌اند که انتظارات دیگران در سوق پیدا کردنشان به تحصیل تاثیر زیادی داشته است.

۲.۳.۱.۴. مقوله‌ی عمده‌ی انگیزه‌های جایگزین. گاهی راه حل اشخاص برای اجتناب از یک وضعیت منفی، فرار به سوی وضعیت‌های دیگر ولو به طور موقت است. در واقع این به وضع روانی افراد باز می‌گردد که ممکن است نفع حال (نقد) را حتی اگر بدانند ممکن است عواقب خوشی برایشان نداشته باشد، به نفع آینده (نسیه) ترجیح دهند. (مق: ۱۴) در مورد بسیاری از وضعیت‌ها (مثل فرار از کار کردن، فرار از خانه نشینی، فرار از سربازی) نیز ممکن است اینگونه باشد. واضح است که این انگیزه به دلیل مطلوبیت عرضی‌اش می‌تواند به شدت بر کیفیت تحصیل تاثیر منفی داشته باشد. زیرا شخص برای درس خواندن به دانشگاه نیامده است، بلکه آمده است تا به سربازی نرود یا کار نکند یا... اما بر عکس مورد قبل - که شخص برای فرار از یک وضعیت نامطلوب، به دانشگاه و تحصیل روی می‌آورد - گاهی شخص برای به‌دست آوردن و رسیدن به هدفی، به دنبال وسیله و راهی می‌گردد که ممکن است هیچ ربطی به هدف نداشته باشد. ممکن است گفته شود بسیاری از انگیزه‌های دیگر این چنین بود که مثلاً شخص برای دست یابی به منزلت اجتماعی، تحصیل را انتخاب می‌کرد. در پاسخ باید گفت در آن جا شخص می‌خواست با تحصیل و تحصیلات بی‌کیفیت آن هدف را محقق کند و تحصیل وسیله‌ای بود برای آن هدف. اما در اینجا مواردی مطرح است که تحصیل نه وسیله که طفیلی و بهانه‌ای است برای رسیدن به هدف. یکی از مصاحبه‌شوندگان برای رسیدن به مقاصد سیاسی‌اش باید به تهران می‌رفت. شاید هم برایش فرق نمی‌کرد که چگونه و چه بهانه‌ای. بهانه‌ای که برای این کار پیدا کرد، تحصیل در یک موسسه در تهران بود. یعنی این شخص برای تحصیل آن هدف به فضای تهران، نیازمند بود ولی راه پذیرفته‌شده توسط دیگران (مثلاً خانواده‌اش) برای راهیابی به تهران، تحصیل در تهران بود که او را به تحصیل در تهران ترغیب کرده است (مقوله‌ی تحصیل به عنوان وسیله‌ی پذیرفته‌شده‌ی مهاجرت).

۲.۳.۱.۵. مقوله‌ی عمده‌ی علاقمندی. این مقوله به آن دسته از دانشجویان مربوط می‌شود که در تحصیل، دارای درجه - ای از رغبت و علاقه هستند. آن‌چه مورد علاقه قرار گرفته‌است، گوناگون است: صرف تحصیل، رشته‌ی تحصیلی، اشخاصی که دانشجو در حین تحصیل با آن‌ها آشنا شده است و... دلایلی این افراد، انگیزه‌هایی درونی^{۱۹} است.^{۲۰} «وقتی

- 14 . Compliance
- 15 . identification
- 16 . Internalization
- 17 . Significant other
- 18 . reward
- 19 . Internal motives
- 20 . External motives



صرف انجام یک فعالیت به دور از نتایج آن مد نظر باشد، انگیزه درونی؛ و وقتی که فرد فعالیتی را برای دریافت پاداش، بازخوردهای مثبت و اجتناب از تنبیه انجام می‌دهد، انگیزه‌ی بیرونی مطرح است. [۸] خود انگیزش‌های بیرونی به دو دسته تقسیم می‌شوند: دسته‌ی نخست، آن نوع از انگیزاننده‌های بیرونی که مقدمه دست‌یابی به هدفی است و به این خاطر مورد خواست شخص قرار گرفته است. اما گاهی هم ممکن است شخص مجبور یا دست کم ناچار باشد که عملی را انجام دهد و هدفی را تحقق بخشد. تفاوتی که انگیزه‌های درونی با انگیزه‌های بیرونی از حیث نتایج و آثار ایجاد می‌کنند، این است که اگر شخص نسبت به هدفی انگیزه‌ی درونی داشته باشد، برای تحقق آن، مجدانه، بارضایت و بدون نیاز به محرک‌های دیگر، تلاش می‌کند درحالی‌که در مورد انگیزه‌ی بیرونی این‌گونه نیست. در این صورت نیز نباید انتظار داشت کیفیت کار انجام شده در حد کار شخص دارای انگیزه‌ی درونی باشد. بیرونی بودن انگیزه به خصوص وقتی از باب مقدمه بودن برا تحقق هدفی دیگر نیز انتخاب نشده باشد، ممکن است به صورتی و سطحی شدن عمل و دور شدن از هدف بیانجامد. در میان علائق ابراز شده در مصاحبه‌ها، «علاقه به تحصیل» و «علاقه به رشته‌ی تحصیلی» درونی‌ترین و احتمالاً مفیدترین انگیزه‌ها در ارتقاء کیفیت تحصیلات می‌باشند زیرا خود درس خواندن، موضوع انگیزه است و این یعنی مطلوبیت ذاتی درس خواندن. اما باید توجه داشت که بعید است این انگیزه نزد تعداد زیادی از محصلین موجود باشد. زیرا اهل علم، بحث انتزاعی و علاقمند به آن در طول تاریخ و در همه‌ی جوامع همیشه کم بوده‌اند، چطور در جامعه‌ی ایران این همه علاقمند به علم پیدا شده است. در این باره تحلیل کوتاه در انتهای مقاله آورده شده است. علاقه به محیط دانشگاه اگر به معنای علاقه به بحث‌ها و درس‌ها و فعالیت‌های علمی باشد که همانند دو مورد اخیر است اما اگر به معنای علاقه‌ی صرف به اشخاص، دوستان، محیط فیزیکی، جو اجتماعی عام دانشگاه و معانی از این دست باشد، نمی‌تواند به مطلوبیت ذاتی تحصیل نزد شخص بیانجامد. البته علاقه به محیط دانشگاه در این معانی اخیرش نیز همانند علاقه به اشخاص و علاقه به استاد شدن، در صورتی که سبب سرایت محبت به درس خواندن بشوند، می‌توانند به کیفیت تحصیل اشخاص کمک کنند. در غیر این صورت و به خصوص اگر ربط و تناسبی بین این وسیله (درس خواندن) و آن هدف (مثلاً استاد شدن) وجود نداشته باشد، کمکی به کیفیت نخواهد کرد.

۲.۳.۱.۶. مقوله‌ی عمده‌ی تعهد اجتماعی. «می‌توان تعهد اجتماعی را میزان پایبندی^{۲۱} افراد به نقش‌های اجتماعی‌شان نامید.» [۱۹] کارکردهای تعهد اجتماعی، برای جامعه بسیار زیاد و ضروری است به‌طوری‌که اگر پایبندی و وفاداری به هنجارها در یک جامعه وجود نداشته باشد، اساساً جامعه ناممکن می‌شود. در داده‌ها سه جلوه از این نوع انگیزه‌ها مشاهده شد: «احساس مسئولیت نسبت به امکانات» موجود برای تحصیل، «خدمت به دیگران» و «نیاز جامعه به تخصص». باید توجه داشت که اشخاصی هستند که هدفشان از تحصیل، دگرخواهانه است اما طی مصاحبه‌ها و البته طبق اطلاعات متعدد موجود قبلی، معلوم شده است که در مورد بسیاری از اشخاص، این، انگیزه‌ی واقعی نیست بلکه توجیه شخص برای عملش است. «بیشتر مردم می‌کوشند تا اعمال، افکار و عواطف خود را توجیه^{۲۲} کنند. وقتی شخص، کاری انجام می‌دهد، تلاش می‌کند تا در صورت امکان خود و دیگران را متقاعد سازد که عملش منطقی و معقول بوده است.» [۲] بر پایه‌ی تئوری ناهماهنگی شناختی^{۲۳} فستینگر^{۲۴}، اشخاص زمانی که دو فرایند شناختی ناهماهنگ داشته باشند، برای رفع ناهماهنگی، به «تغییر یک یا هر دو شناخت» یا «افزودن شناخت‌های جدید» مبادرت می‌کنند زیرا «پیدایش حالت ناهماهنگی شناختی ناخوشایند است» (همان) در اینجا هم وقتی شخص می‌داند که بر اثر فشارهای اجتماعی (و نه بر اساس استدلالی محکم و به خاطر یک ارزش و...) مشغول به تحصیل شده است (شناخت اول) و از سوی دیگر این را عاملی قابل قبول برای عملش نمی‌داند (شناخت دوم) دچار ناهماهنگی شناختی می‌شود. برای توجیه

21 . Obligation

22 . Justification

23 . Cognitive Dissonance

24 . Leon Festinger



خود یعنی متقاعد ساختن خود و دیگران، شناخت اول را تغییر می‌دهد و به خود تلقین می‌کند که من برای هدف دیگری (یک هدف ارزشمند مانند خدمت به دیگران) تحصیل می‌کنم و این‌گونه از ناهماهنگی شناختی، رها می‌شود.

۲.۳.۲. کدگذاری گزینشی. سوال پژوهش حاضر این است که دلایل تحصیل کردن اشخاص چیست؟ از مجموع پاسخ‌ها در سطحی انتزاعی‌تر این پاسخ حاصل شد که اشخاص برای «تحقق توانایی» و «تأمین خواسته‌ها» تحصیل می‌کنند. انگیزه‌های «علاقه‌مندی»، «تعهد اجتماعی»، «هدر ندادن زحمات گذشته» و «تحت تاثیر دیگران» انگیزه‌هایی جهت تأمین خواسته‌هاست.

۳. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

افزایش بی‌رویه‌ی تعداد محصلین، منجر به عدم تناسب تعداد دانش‌آموختگان و مهارت‌یافتگان با نظام تقسیم کار و موقعیت‌های شغلی موجود در جامعه و همچنین عدم تناسب میان محتوای آموزش‌های مراکز آموزشی با نیازهای جامعه شده است. یکی از مشکلات بزرگ در موضوع آموزش اضافی و عاملی مهم در شکل‌دهی به آن، وجود تقاضا از دولت برای افزایش ظرفیت‌های دانشگاه‌ها بدون نیازی به آن نوع و آن میزان از آموزش‌هاست. آنچه سبب این تقاضای گسترده می‌شود عدم آگاهی متقاضیان از تبعات آموزش اضافی در مقیاس خرد و کلان و فقدان یک موضع شغلی متناسب با نظام تقسیم کار در متقاضیان است. برای تغییر موضع متقاضیان، در جهت کاهش تقاضا، اطلاع جزئی از انگیزه‌های فعلی محصلین، بسیار مهم است. در نتیجه این پژوهش درصدد پاسخ به این سوال بود که: انگیزه‌های محصلین برای ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر چیست؟ که اشخاص با آن دلایل، عمل خود را در ادامه دادن به تحصیلات توجیه می‌کنند و به تقاضا برای آموزش‌های اضافی دامن می‌زنند. البته برای آن که دامنه‌ی پاسخگویان محدود شود، نمونه‌ها به داوطلبان کنکور کارشناسی ارشد - که موج گسترده‌ی تقاضایشان آغاز شده است - محدود و پرسیده شد: انگیزه‌های داوطلبان ادامه‌ی تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد چیست؟ مصاحبه‌شوندگان در مجموع، چهل و نه انگیزه برای تحصیل بیان کردند که بعد از کدگذاری محوری، این مفاهیم (یعنی انگیزه‌ها) در شش مقوله‌ی عمده طبقه‌بندی شد و نهایتاً در کدگذاری گزینشی، کسب توانایی و تأمین خواسته به عنوان هسته‌ی مرکزی تشخیص داده شد.

نگاهی به انگیزه‌های اظهار شده، فارغ از میزان و توزیع آن نشان می‌دهد که:

۱. در حال حاضر بسیاری از محصلین تحت تاثیر انگیزه‌های ناخودآگاه اقدام به تحصیل می‌کنند و چندان آگاهانه، با فکر، تدبیر و برنامه‌ریزی قبلی عمل نمی‌کنند بلکه بیشتر منفعلانه و تحت تاثیر عوامل دیگر (مثل جو اجتماعی و منزلت بخشی جامعه به مدارک تحصیلی و ...) به این مسیر کشیده می‌شوند.

۲. عدم تناسب جدی میان انگیزه‌های اساسی افراد با نیازهای جامعه وجود دارد که خود ریشه در فرهنگ (یعنی باورها، ارزش‌ها و هنجارهای) جامعه‌ی ما دارد.^{۲۵} مثلاً اینکه بسیاری از کارهای مفید و مهم در جامعه‌ی ما عار است و بد تلقی می‌شود و کمتر کسی آن‌ها را بر عهده می‌گیرد مگر از روی اکراه؛ یا اینکه بسیاری از کارهای اساسی و مهم دارای منزلتی کمتر از کارهای غیر اساسی یا کمتر مهم است. در نتیجه یا به تعداد لازم متخصص برای برخی کارها، وجود ندارد و بدتر و گسترده‌تر از آن، برای بسیاری از کارها، تعداد زیادی متخصص تربیت شده است که تعداد مازاد متخصصین یک عدم تعادل و در نتیجه یک مسئله‌ی اجتماعی است.

۳. انواع بسیاری از انگیزه‌های غرضی و بیرونی وجود دارد و انگیزه‌های درونی کمتر در میان این انگیزه‌ها یافت می‌شود.

۴. انگیزه‌های معطوف به شغل نیز دارای مشکل اشتباه محاسباتی‌اند. یعنی اکثر محصلانی که به قصد ارتقاء فرصت‌های شغلی آینده به دانشگاه وارد می‌شوند، به دلیل کم‌اطلاعی از وضعیت نظام تقسیم کار و ارتباط تحصیلات با آن، انتخاب صحیحی انجام نمی‌دهند و در نتیجه بعداً متوجه نادرستی تصمیم خود می‌شوند.

۲۵. علاوه بر عدم تناسب میان رشته‌ها و ظرفیت‌های دانشگاهی با موقعیت‌های شغلی و نظام تقسیم کار اجتماعی واقعی جامعه‌ی ما.



۵. شناخت ناکافی از رشته‌های تحصیلی نیز به انتخاب‌های نادرست و نامتناسب با علایق و نیازهای فردی و اجتماعی منجر می‌شود و شخص محصل را پس از مواجهه با رشته‌ی تحصیلی با واقعیت تلخ این عدم تناسب علایق و نیازها با انتخابش روبرو می‌کنند.

۶. وجود ذهنیت مشترک غیر منطبق با واقع در جامعه‌ی ما در موضوع تحصیل با عناصر مختلفی مثل ارزش دادن به مدارک تحصیلی و صرف دانشجوی بودن و در نتیجه ایجاد جو اجتماعی سوق دهنده اشخاص به تحصیلات نه برای خود تحصیلات بلکه برای کسب منزلت، مدرک تحصیلی و...

۷. انگیزه‌های درونی اعلام شده نیز معمولاً قرین به واقعیت نیست و طبق شواهد از جمله اعترافات خود مصاحبه‌شوندگان و البته بر اساس نظریات روان‌شناسی اجتماعی عمدتاً توجه‌هایی برای فرار از ناهماهنگی شناختی‌اند زیرا شخص مسیر پرهزینه، پرزحمت و اتلاف‌کننده‌ی عمر و جوانی‌اش را طی کرده‌است و بعد از ۱۶-۱۸ سال تحصیل باید حتی برای یافتن شغل به صف انتظار طولانی بپیوندد که شاید شغلی در حد توقع خود و جامعه‌اش بیاید. پس از این فرایند طولانی وقتی مشاهده می‌کند که اشتباه کرده است برای اینکه احساس خوب بودن نسبت به خود را از دست ندهد و به تعارض شناختی دچار نشود، اعلام می‌کند که من برای شغل و پول و منزلت و ... به دانشگاه نیامده‌ام بلکه برای خدمت به جامعه و حصول کمال و تحقق نفس و... دانشگاه و تحصیل را انتخاب کرده‌ام!

۸. نتیجه این که با این انگیزه‌های غیرمرتبط به خود علم و البته به فواید واقعی علم مثل رشد انسان و کمک به تولید اقتصادی و... هم دانش، هم اجتماع علمی و دانشمندان، هم جامعه متضرر می‌شوند و کیفیت آموزش‌ها تنزل می‌یابد، علم و عالم‌بی‌ارزش می‌شوند و منزلت آنها کاهش می‌یابد که این خود اثر تشدیدکننده بر دانش و فرایند انتقال و آموزش آن خواهد داشت.

برای اصلاح وضع موجود و حل مسئله‌ی آموزش اضافی و تقاضای نامتعادل تحصیلی، در سطح خرد، باید آثار و پیامدهای این مشکل و مسئله بودن آن، با تحقیقات روشن‌گر، وضوح یابد و سپس با اقناع جامعه از طریق انتقال شناخت صورت گرفته و کاهش تقاضا تا حد مورد نیاز واقعی جامعه، غلبه بر مشکل ممکن شود. در سطح کلان نیز، مهم‌ترین راه حل، طراحی نظام جامعه‌آموزش - اشتغال توسط دولت و دانشگاه‌هاست که منجر به تربیت نیروی متخصص متناسب با ظرفیت‌های بازار کار در افق آینده‌ی نزدیک می‌گردد. راه‌حلی اساسی دیگر در همه‌ی سطوح، کارآفرینی (و نه لزوماً اشتغال‌زایی) به خصوص توسط خود متقاضیان کار و البته با حمایت و هدایت دولت است که منجر به افزایش ظرفیت بازار کار و توسعه‌ی اجتماعی در بخش اقتصاد و حل بخش مهمی از مشکل مورد بحث می‌شود.

۴. منابع و مراجع

[۱] ابراهیمی، قربانعلی و همکاران، بررسی عوامل موثر بر انگیزه تحصیلی دانشجویان در دانشگاه‌های غیر انتفاعی، فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران، شماره ۳، زمستان ۱۳۸۹، صفحات ۶۶-۳۹

[۲] ارنسون، الیوت؛ روان‌شناسی اجتماعی. ترجمه‌ی حسین شکرکن، انتشارات رشد، تهران، ۱۳۸۶

[۳] بحرانی، محمود، مطالعه انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان متوسطه استان فارس و عوامل همبسته با آن، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، شماره ۴۵، ۱۳۸۴، صفحات ۱۳۰-۱۱۸

[۴] بودون، ریمون؛ منطق اجتماعی. ترجمه‌ی عبدالحسین نیک‌گهر، سازمان انتشارات جاویدان، تهران، ۱۳۷۰

[۵] ثمری، عیسی و بهزاد رسول‌زاده. مقایسه تأثیر استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات و روش سنتی بر میزان پیشرفت تحصیلی، یادگیری خودتنظیمی و انگیزه تحصیلی دانشجویان دانشگاه پیام نور، نامه آموزش عالی، شماره ۵، ۱۳۸۸، صفحات



- [۶] حسینی طباطبایی و همکاران، بررسی علل پیشرفت تحصیلی دختران در مقایسه با پسران در استانهای خراسان رضوی، شمالی و جنوبی، دانش و پژوهش در علوم تربیتی، شماره ۱۵، پاییز ۱۳۸۶، صفحات ۱۴۷-۱۱۹
- [۷] دورکیم، امیل؛ قواعد روش جامعه‌شناسی. ترجمه‌ی علیمحمد کاردان، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۵
- [۸] رضاخانی، سیمین‌دخت، بررسی انگیزه‌ی بیرونی و درونی پیشرفت تحصیلی دانشجویان رشته‌های مختلف دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، فصلنامه‌ی اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی، شماره ۶، بهار ۱۳۸۶، صفحات ۱۰۶-۸۵
- [۹] رضائی، عباسعلی و همکاران، بررسی میزان انگیزه‌ی تحصیلی و عوامل مرتبط با آن در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی زابل در سال ۱۳۸۸، فصلنامه علمی پژوهشی رستمینه، شماره ۳، زمستان ۱۳۸۹، صفحات ۱۹-۱۱
- [۱۰] روحی، قنبر و همکاران، انگیزه تحصیلی و رابطه‌ی آن با برخی از عوامل در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گام‌های توسعه در آموزش پزشکی مجله مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی، شماره ۲، ۱۳۸۶، صفحات ۸۳-۷۷
- [۱۱] ریتزر، جورج؛ نظریه‌ی جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۷۷
- [۱۲] صدیق اورعی، غلامرضا، جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد، مشهد، ۱۳۷۴
- [۱۳] طالب‌زاده شوشتری، لیلا و هادی پورشافعی، اسنادهای استادان موفق در خصوص روش‌های ارتقای انگیزه‌ی تحصیلی دانشجویان دانشگاه بیرجند، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۶۰، تابستان ۱۳۹۰، صفحات ۹۸-۸۱
- [۱۴] عبد خدائی، محمد سعید و همکاران، تدوین و هنجاریابی مقیاس انگیزش تحصیلی و بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های مطالعه بر افزایش انگیزش، مطالعات تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۱، ۱۳۸۷، صفحات ۲۰-۵
- [۱۵] عودی، داوود و همکاران، بررسی دیدگاه دانشجویان پرستاری در مورد عوامل موثر بر انگیزه‌ی تحصیلی آنان، فصلنامه علمی دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، شماره ۱، ۱۳۸۵، صفحات ۴۰-۳۵
- [۱۶] فخرایی، سیروس، نقش عوامل محیطی- اجتماعی در انگیزه‌های تحصیلی دانش آموزان، تربیت، شماره ۶۰، پاییز ۱۳۷۶، صفحات ۴۷-۴۰
- [۱۷] فرج‌اللهی، مهران، و حمیرا کاکوئی، مقایسه‌ی میزان انگیزه و پیشرفت تحصیلی دانشجویان دوره کارشناسی پذیرفته شده از طریق طرح فراگیر و آزمون سراسری در دانشگاه پیام نور مرکز ساری، نامه آموزش عالی، شماره ۷، پاییز ۱۳۸۸، صفحات ۱۲۱-۱۰۷
- [۱۸] گروه پژوهش‌های آماری و فناوری اطلاعات موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، آمار آموزش عالی ایران در یک نگاه سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱، موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، تهران ۱۳۹۲
- [۱۹] مرادی، گلرمد و محمد تقی ایمان، بررسی رابطه بین رضایت اجتماعی و هویت ملی با تعهد اجتماعی جوانان: مورد مطالعه شهر شیراز، جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۸، صفحات ۱۷۴-۱۵۵
- [۲۰] ممتاز، فریده، معرفی مفهوم طبقه از دیدگاه بوردیو، پژوهشنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۴۱ و ۴۲، بهار و تابستان ۱۳۸۳، صفحات ۱۶۰-۱۴۹
- [۲۱] مولوی، پرویز و همکاران، بررسی عوامل موثر در کاهش انگیزه‌ی تحصیلی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، مجله علمی سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۱، بهار و تابستان بهار ۱۳۸۶، صفحات ۵۸-۵۳



- [22] B. G. Glaser and A. L. Strauss, *The Discovery of Grounded Theory: Strategies for Qualitative Research*, Chicago: Aldine Publishing Company, 1967.
- [23] A. Strauss and J. Corbin, *Basics of Qualitative Research - Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*, Thousand Oaks: Sage, 1998.
- [24] J. L. J. FYANS, B. KREMER, F. SALILI and M. L. MA EHR, "THE EFFECTS OF EVALUATION CONDITIONS ON "CONTINUING MOTIVATION"(Study of the Cultural, Personalological and Situational Antecedents of A Motivational Pattern," *Inrcrnolional Journalof InncrcutruralRelarrons*, pp. 1-22, 1981.
- [25] C. Lonsdale, C. M. Sabiston, I. M. Taylor and N. Ntoumanis, "Measuring Student Motivation for Physical Education: Examining the Psychometric Properties of the Perceived Locus of Causality Questionnaire and the Situational Motivation Scale," *Psychology of Sport and Exercise*, pp. 284-292, 2011.
- [26] Z. Sepehri Shamloo and W. M. Cox, "The relationship between motivational structure, sense of control, intrinsic motivation and university students' alcohol consumption," *Addictive Behaviors*, p. 140-146, 2010.
- [27] J. I. Rotgans and H. G. Schmidt, "The role of teachers in facilitating situational interest in an active-learning classroom," *Teaching and Teacher Education*, pp. 37-42, 2011.
- [28] L. Wijnia, S. M. Loyens and E. Derou, "Investigating effects of problem-based versus lecture-based learning environments on student motivation," *Contemporary Educational Psychology*, pp. 101-113, 2011.
- [29] A. Eren, "Involuntary mental time travel and its effect on prospective teachers' situational intrinsic motivations," *Learning and Individual Differences*, pp. 677-681, 2010.
- [30] r. j. Vallerant, L. G. pelletire, n. M. briere and c. Senecal, "on The Assessment of intrinsic, Extrinsic, and Amotivation in education: evidence on the concurrent and construction validity of the academic motivation scale," *Educational and Psychological Mesurement*, pp. 159-172, 1993.
- [31] H. A. Taghipour, S. Gilaninia, M. Jalali, H. Azizipour, S. J. Razaz Razaghi and S. J. Mousavian, "Standardizing of Academic Motivation Scale," *Journal of Basic and Applied Scientific Research*, pp. 1186-1192, 2012.
- [32] F. M. E. Grouzet, N. Otis and L. G. Pelletier, "Longitudinal Cross-Gender Factorial Invariance of the Academic Motivation Scale," *STRUCTURAL EQUATION MODELING*, pp. 73-98, 2006.
- [33] A. J. Fairchild, S. J. Horst, S. J. Finney and K. E. Barron, "Evaluating New and Existing Validity Evidence for the Academic Motivation Scale," *contemporary educational psychology*, pp. 331-358, 2005.
- [34] C. M. Blanchard, L. Maska and R. J. Vallerand, "Reciprocal relationships between contextual and situational motivation in a sport setting," *Psychology of Sport and Exercise*, p. 854-873, 2007.
- [35] m. S. Fortier, R. J. Vallerand and F. Guay, "Academic motivation and school performance : towarda structural model," *contemporary educational psychology*, pp. 257-274, 1995.
- [36] Y. GAO, Y. ZHAO, Y. CHENG and Y. ZHOU, "Motivation Types of Chinese University Undergraduates," *Asian Journal of English Language Teaching*, pp. 45-64, 2003.
- [37] J. G. Walter, J. Hart and H. Gerson, "Student Motivations for Mathematical Understanding in an Inquiry-Based Calculus Classroom," *CONTRIBUTED RESEARCH REPORT*, 2009.
- [38] P. Bourdieu, "The Forms of Capital," *J. G. Richardson's Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education*, p. 241-258, 1986.
- [39] R. L. PIEDMONT, "The Relationship between Achievement Motivation, Anxiety, and Situational Characteristics on Performance on a Cognitive Task," *JOURNAL OF RESEARCH IN PERSONALITY*, pp. 177-187, 1988.
- [40] C. Goulding, "Grounded Theory: some reflections on paradigm, procedures and misconceptions," University of Wolverhampton, 1999.